

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مهری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصمیم

# شترت

دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۳ • ۹ رمضان ۱۴۴۶ • ۱۰ مارس ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۷۰ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۱۸:۲۶ • اذان صبح فردا ۴:۵۸ • طلوع آفتاب ۶:۲۱

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

## یاد

## سردار باغ اسرارآمیز

### فریورمعبری

همایون شهنواز به سرداری می‌مانست اسب و براق مهیا، آماده کارزار در روزگاری نامراد. سکناکزیده بر بلندای باغی به وسعت ایران، همان‌که از میراث پدر بدر جای مانده بود. هر روز و شب دریوزگانی در لباس دوست و دشمن با طرفه‌الحیل و به طعمی بر باغ و میراث کهن آن یورش می‌آوردند و سردار ما، مانا و ایستا، بی‌خستگی، بی‌لحظه‌ای چشم بر هم نهادهن یا تعلل بی‌بهره‌شان می‌نمود. همایون شهنواز به سرداری می‌مانست از عمق همه رخ‌های باغ و ساکنانش، تمام قصه را بلد بود، تمام سرداران پیش از خود را خوب می‌شناخت و مسلح به دانش و توان و تقوا، عهد در پاسداری از میراث کهن و پرورش و رشد و بالندگی داشت.

پاییز که می‌آمد، درخت‌ها گرم می‌گرفتند و برگ‌های سرخ و زردشان در آغوش گرم زمین می‌رفتند. آسمان ابری می‌شد و روی برگ‌ها و تنه لخت درخت‌ها نم‌نم می‌بارید. حالا این تنها درخت‌های خرمالو بودند که زیر نگاه چشم‌چران کلاغ‌ها، همه میوه‌هایشان را نگه می‌داشتند؛ همه سهم‌شان از این باغ و میوه‌های بی‌مزد و منش.

همایون شهنواز به سرداری می‌مانست آماده رزم، با لیوانی قهوه داغ در دست، چشمانی مهربان و پف‌آلود، صدایی زنگدار و لهجه‌ای متواضع و مفخر. رازهای زیادی می‌دانست؛ او می‌دانست که سگ‌های باغ که برای امنیت ساکنان باید همواره هوشیار باشند، به مرغ‌ها ناخنک می‌زنند و حتی یک بار به من گفت یکی از سگ‌ها قصد جانش را کرده، اما سگی دیگر نجات‌بخشش شده است.

هر سال عید، «فرهنگ» (پدرم را می‌گویم)، تلفن را برمی‌داشت برای تبریک سال نو و برخلاف دوستی‌های جدید این‌روزها که از روز اول طرفشان را به اسم کوچک با پسوند «جان»، «جون» یا «خان» صدا می‌کنند، می‌گفت «جناب شهنواز!»؛ دوستی دیرینه‌ای بینشان بود، نزدیک به ۴۰ سال و هرگز این رسم تغییری نکرده بود. روزگاری که دیگر فرهنگ در میان ما نبود، یادداشتی به دستم رسید، جناب شهنواز سرزده به دفترمان آمده بود و این شروعی شد برای سال‌ها شاکردی من در کنار استاد.



من هم روزی وارد باغ اسرارآمیز شهنواز شدم. استاد بود و سگ‌ها بودند و من مرغ‌های زیبا می‌آوردم و سگ‌ها هم ناجوانمردانه می‌دریدندشان. این همه اسرار این سال‌ها بود. ما هی تلاش می‌کردیم، لانه می‌ساختیم و برای رشد و پرورش مرغ‌های باغ امیدوار بودیم، اما استاد روش‌های زیرکانه‌ای داشت که گه‌گاه مرا حیرت‌زده می‌کرد و به دانسته‌هایش ایمان داشتیم. او می‌دانست و زیاد هم می‌دانست، من نمی‌دانستم و می‌آموختم. من خسته می‌شدم، ناامید می‌شدم، اما او پر بود از ایمان و انرژی. ما می‌ساختیم و دیگران نابود می‌کردند، اما استاد از پا نمی‌نست. جقدر جنسش، جنس فرهنگ معیری (پدرم) بود؛ همان رنج‌ها، همان دوران و همان طنزهای ظریف، همان چشمانی که وقتی ذوق می‌کرد قشنگ می‌فهمیدی قند توی دلش آب می‌شود، و جقدر با همگان متواضع بود. یاد این‌س روزها می‌افتم که چه بادی به غیغب دارند دیرآمدگان زودرسیده! این‌روزها در سربالایی خیابان ولیعصر وقتی به باغ می‌رسم، استاد را می‌بینم روی تراس خانه زیر شیروانی‌اش، سسوار بر اسبی سفید، چون سرداری خیره بر اقق، آماده و هوشیار و باوقار. جقدر این تصویر برایم آشناست… رئیس علی دلواری!…

«این یادداشت از کتاب تازه منتشرشده «روزگار همایون» است که توسط محمد ولی‌زاده گردآوری شده است.

## انتشار غیرقانونیِ دلیل محکومیت یراحی

محمدهادی جعفریور ـ وکیل دادگستری؛ فارغ از واکنش‌های اهالی رسانه، وکلای دادگستری و فعالان مدنی به اجرای حکم شلاق علیه مهدی یراحی و تذکر این نکته که لازم است دستگاه قضائی بنا به قوانینی ازجمله سند امنیت قضائی، منشور حقوق شهروندی و قانون کاهش مجازات‌های زندان و دیگر قوانین و قواعد حاکم بر شیوه اجرای مجازات‌ها که توجه به کرامت انسانی و حفظ حقوق شهروندی را تصریح می‌کند، آنچه در لابه‌لای این مطالب مغفول افتاده، انتشار دلیل محکومیت مهدی یراحی از سوی یکی از خبرگزاری‌هاست.

بند سین ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی انتشار خبر محکومیت متهمان را یکی از اقسام مجازات‌های تکمیلی تعریف کرده و ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی حکم محکومیت قطعی قابل انتشار در روزنامه‌های کثیرالانتشار را احصا کرده است.

حکم محکومیت قطعی در جرائم حدی مانند محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر درجه ۴ و کلاهبرداری بیشتر از یک میلیارد ریال

در صورتی‌که موجب اخلال در نظم و امنیت نباشد و در تبصره این ماده مصادیق دیگری مانند ارتشا، اختلاس، اعمال نفوذ، جرائم کم‌رمکی و مالیاتی و… قید شده است‌که هیچ‌یک از این موارد شامل اتهامی نمی‌شود که مهدی یراحی بابت آن محکوم شد و مجازات شلاق تحمل کرد.

علاوه بر اینکه در جرائم اشاره‌شده در ماده ۳۶ لازم است به سفارش ماده ۳۲ که انتشار حکم محکومیت را به‌عنوان مجازات تکمیلی

تعریف کرده، در دادنامه صادره به این مجازات تصریح شده باشد.

با این وصف انتشار دلیل محکومیت مهدی یراحی در خبرگزاری فارس برخلاف مقررات

یادشده، خلاف قانون است.

علاوه بر قوانین حاکم در حقوق کیفری، مستند به عموماًت قانون مطبوعات، آنچه از سوی خبرگزاری اشاره‌شده انجام شده، مشمول جرائم مطبوعاتی و به نوعی خلاف قوانین حاکم بر فعالیت مطبوعات و رسالتی است که برای رسانه‌ها تعریف می‌شود.



سد کرج، یکی از مهم‌ترین منابع تأمین آب شرب تهران. با بحرانی بی‌سابقه در میزان ذخایر آبی خود مواجه شده است. حجم آب این سد که نقشی کلیدی در تأمین نیاز آبی نزدیک به پنج میلیون نفر در استان تهران ایفا می‌کند، اکنون تنها به هشت درصد ظرفیت کامل رسیده است. این کاهش چشمگیر نشان‌دهنده افتی ۵۶درصدی نسبت به سال گذشته است. عکس: محمدمهدی یوزعرب، اپرنا

## پایداری‌ها سؤال از وزیر فرهنگ را کلید زدند

در نشست علنی مجلس شورای اسلامی، محمد رشیدی، نماینده پایداری خبر از اعلام وصول سه سؤال از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیدعباس صالحی داد. این نماینده موارد اعلام وصول شده توسط هیئت‌رتبسه مجلس را به شرح زیر قرائت کرد: سؤال ملی مهدی کوچک‌زاده نماینده تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس و تعداد دیگری از نمایندگان از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره علت بی‌توجهی به ماده ۲۸ قانون مطبوعات و عدم اجرای آن. سؤال ملی فتح‌الله توسلی نماینده بهار و کیودرآهنگ و تعداد دیگری از نمایندگان از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درخصوص بی‌توجهی و ترک فعل درباره وظایف و تعهدات وزارت، توزیع ناعادلانه امکانات در کشور و انتصابات خاص در وزارت ارشاد. سؤال ملی مهدی ظیفانی نماینده اصفهان و تعداد دیگری از نمایندگان محترم از وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره عدم اقدام جدی سازمان اوقاف و امور خیریه برای رسیدگی به امور موقوفات واجد ارزش تاریخی و میراثی سؤال کرده است و معلوم نیست آیا یک مورد خاص مدنظر بوده یا به صورت کلی قرار است عملکرد شش‌ماهه وزیر در این زمینه زیر سؤال برود. برخی صاحب‌نظران معتقدند این سؤال‌ها در واقع با هدف اعمال محدودیت برای تغییرات و رسیدگی به سوءاستفاده‌های پیش‌آمده در دولت سیزدهم مطرح شده است. یک مورد از مواردی که حساسرسی شده، در زمینه نمایشگاه قرآن در فروردین امسال بوده است. هزینه صرف‌شده و حتی اخطاری‌هایی که داده شده، تعجب‌برانگیز بود. طرح این سوالات در حالی از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی کلید خورده است که در این مدت نیز بارها و بارها معاونان وزیر در کمیسیون‌ها حاضر شده و به سوالات متعدد نمایندگان پاسخ داده‌اند.

### حقوق خوانی

## قضات زن ودغدغه‌های ایشان



محسن برهانی

می‌کند و نسبت زناتی که وارد سیستم قضائی می‌شوند به مراتب کمتر از مردان است -که چرایی آن بعدا روشن خواهد شد- بلکه بعد از استخدام نیز این رویکرد مانع از ارتقای زنان در سیستم قضائی و یافتن جایگاه مناسب می‌شود.

توضیح مطلب آنکه از آنجایی که قضا مختص مردان دانسته شده است، همان میزان اندکی از بانوان که وارد سیستم می‌شوند، در نازل‌ترین جایگاه‌های شغلی به کار گرفته می‌شوند و قریب به اتفاق ایشان تا اواخر دوران خدمت، دادیار تحقیق یا دادیار اظهارنظر یا قاضی مشاور دادگاه خانواده باقی می‌مانند و عمر شغلی ایشان در همین مرحله به پایان می‌رسد. این در حالی است که آقایان پس از مدت کوتاهی، بازپرس سپس دادرس، سپس قاضی دادگاه و در مراحل بعد در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور امکان ارتقای شغلی دارند.حال تصور کنید یک خانم که از بهترین دانشگاه‌های کشور فارغ‌التحصیل شده و با سختی وارد سیستم قضائی شده و از مواضع مختلف گزینشی و عدم اولویت عبور کرده است، در نازل‌ترین مراحل قضائی باقی می‌ماند و شخص دیگری که در قیاس با آن قاضی زن فاقد صلاحیت‌های علمی لازم است، فقط به خاطر جنسیت و مرد بودن، پله‌های ترقی را در سیستم قضائی طی می‌کند و نوعی «تبعیض سیستماتیک» تحقق پیدا می‌کند. به همین علت است که جذب آقایان برای شغل از خانم‌ها بسیار بیشتر است؛ چراکه منصب قضائی برای خانم‌ها به اندازه کافی وجود ندارد. بنابراین در بسیاری از موارد و تلاش فراوان یک زن نخبه دانشگاهی، با «عدم اولویت» در جذب مواجه می‌شود. برای حل معضل یادشده، یک راهکار مبنایی وجود دارد و یک راهکار عملی:
۱. راهکار مبنایی آن است که بدون ایجاد هیچ‌گونه محدود شرعی قانون‌گذار می‌تواند از فتوایی به فتوای دیگر گذر و شرط مرد بودن را حذف

## ۹۴ درصد

از مجموع حجم ۲۰۵ میلیون مترمکعبی مخزن سد کرج فقط ۱۳ میلیون مترمکعب آب پشت این سد ذخیره شده است. به عبارتی در زمان حاضر حدود ششش درصد ظرفیت سد کرج پر و حدود ۹۴ درصد ظرفیت مخزن این سد خالی است. از نظر میزان کم‌آبی، برای سد کرج که یکی از پنج سد اصلی تأمین آب شرب استان تهران است، شرایطی پیش آمده که در طول ۶۳ سال عمر بهره‌برداری از این سد بی سابقه بوده است. این سد با سطح حوزه آبریزی به مساحت ۷۶۴ کیلومترمربع و با متوسط جریان آب سالانه به میزان ۷۲۲ میلیون مترمکعب در استان تهران و در فاصله ۶۳کیلومتری شمال غربی تهران و در کیلومتر ۲۳ جاده کرج-چالوس، در شمال شهرستان کرج قرار دارد.

### نظرخوانی

### لزوم مشارکت

### در امور خیریه

### مهربان طوقی

در قرآن کریم با دو واژه از مردم خواسته شده است تا در کارهای نیک و پسندیده مشارکت فعال و سازنده داشته باشند. این دو واژه عبارت‌اند از «سبقت» و «سرعت». در سوره‌های مبارکه مؤمنون/ ۵۷- ۶۱، نازعات/ ۴، انبیا/ ۹۰، آل‌عمران/ ۱۱۴، توبه/ ۱۰۰، مائده/ ۴۸ و بقره/ ۱۴۸ بارها به اهمیت این موضوع تأکید شده است.

در سال‌های اخیر کمک شبکه‌های اجتماعی و اهمیت محرومیت‌زدایی برای جبران کمبودها باعث شد تا سرمایه‌داران و خیران غیربومی بیش از هر دوره دیگری به فکر کارهای نیک بیفتند و با ساخت بناهای عام‌المنفعه شامل مدرسه، درمانگاه، خانه بهداشت، خوابگاه، همراه‌سرای بیماران، اهدای تجهیزات، کمک به کودکان و زنان بی سرپرست، مراسم گل‌ریزان (آزادی زندانیان) و همچنین کمک به بیماران نیازمند صعب‌العلاج که در قالب تشکل‌های مردمی صورت گرفت، عصر طلایی رواج این سنت خدایسندانه و انسان‌دوستانه شکل گرفت و «سبقت» و «سرعت» سفارش شده در قرآن کریم نیز تحقق یافت.

این مقدمه‌ای بود تا نگاهی به وضعیت فعالیت خیران و میزان مشارکت متمکنان مالی در سیستم‌ولوچستان بیندازیم. این منطقه کمترتوسعه‌یافته، به دلیل دوری از پایتخت و سکونت در مناطق کویری و صعب‌العبور و نگاه خاص مرکزنیشان، در گذشته کمتر مورد توجه دولت‌های مرکزی قرار گرفته بود.

پس از انقلاب اسلامی، به مرور توسعه و تحول رواج یافت، اما به دلیل مشکلات اقتصادی تاریخی و ضعف‌های موجود در دولت‌ها و همچنین ناتوانی افرادی که در مناصب مدیریتی قرار داشتند، آن‌گونه که باید حق محرومیت‌زدایی ادا نشد. از همین‌رو خیرین و متمولان مالی از سراسر کشور با نیت‌های خیرخواهانه بذل و توجه ویژه‌ای به این دیار داشتند که ساخت‌وساز در شهرها و روستاها و کمک‌های بنیادی دیگر از جمله دستاوردهای این نیات خیرخواهانه بوده است.

از احداث مدارس، مساجد، مراکز بهداشتی و درمانی، کمک به مردم روستاها و آزادی زندانیان نیازمند همه و همه نتیجه پیش‌قدم‌شدن غیربومیان خارج از استان برای احصای سنت کار خیر بوده است. هرچند برخی خیرین بنا بر خواست خودشان و برای سود اخروی افزون‌تر، گمنام مانده‌اند، اما با نگاهی به آمارهای ۲۰ سال اخیر و اسامی خیرینی که در منطقه بلوچستان کار نیکي از خود به‌جا گذاشته‌اند، نکته عجیبی که مشاهده می‌شود این است که به نسبت، کمترین میزان مشارکت‌کننده در این امور افراد بومی بوده‌اند!

اگر فرض را بر سابقه محرومیت سیستم‌ولوچستان و کمبود افرادی که از بضاعت مالی برخوردار بوده‌اند، بگذاریم، با وضعیت املاک خصوصی، خودروهای گران‌قیمت، منازل مسکونی تجملاتی و صدا لنج صیادی بزرگ که حداقل در ۲۰ سال اخیر در شهرهای اصلی استان به‌خصوص زاهدان، ایرانشهر و چهارپهار مشاهده می‌شود، معادلات فقر بر هم می‌خورد و چیزی که از سیمای شهرها و خودروهایش عیان است، این است که قشر ثروتمند و بسیار مرفه در این استان محروم کم نیستند. باید به دنبال پاسخ این پرسش گشت که چرا قشر مرفه در منطقه آن‌گونه که شایسته است، در کارهای خیرخواهانه مشارکت نمی‌کنند و کمتر اخباری به گوش می‌رسد که دردی از همشهری‌های خود دوا کرده باشند یا سقفی برای نیازمندی ساخته باشند؟ قطعاً یکی از پاسخ‌های این پرسش، عدم فرهنگ‌سازی در این زمینه است و پاسخ‌های دیگر آن را باید در نگاه و بینش این افراد جست‌وجو کرد. به هر رو، امیدواریم روزی برسد که درخت نیکوکاری توسط ثروتمندان بومی و محلی در این منطقه کاشته و به ثمر بنشیند.